

متن کامل سخنرانی آقای دکتر مصدق در دفاع از  
«حاکمیت و حقوق ملت ایران»  
در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد  
(بخش ششم)

محمد حسینی

۲۲ مهرماه ۱۳۸۶، برابر با ۲۲ ماه اکتبر ۲۰۰۷

بازنویسی عیناً از روی مندرجات جلد اول «کتاب اسناد سخن می گویند!» پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی رجائی و مهین سروری (رجائی) صفحه های ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳ و ۸۳۴ :

ادامه؛

متن کامل سخنرانی آقای دکتر مصدق در دفاع از  
«حاکمیت و حقوق ملت ایران»  
در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد.

\* \* \*

قرارداد ۱۹۳۳ در سایه تهدیدات سرنیزه و توپ های ناوگان جنگی جانشین مقابله نامه  
دارسی گردید.

بدون این که راجع به اجبار ایران در امضای قرارداد ۱۹۳۳ بحث کنیم و خاطرنشان سازیم  
که به موجب قوانین مشروع و معتبر بین المللی امضای قرارداد با زور کاملاً بی اعتبار می باشد،  
دولت ایران به خاطر این که وارد مباحث طولانی و مبهم نشود تأکید می کند که مجلسین ایران  
قانون ملی شدن صنعت نفت را در سرتاسر ایران تصویب کرد.

تمام حقوق خصوصی و حتی آن هائی که در امتیازنامه و قرارداد نفت ذکر شده باید به خاطر  
رفاه کلی و عمومی تسلیم حق حاکمیت ملی شود.

پس از این که آمار مالیات بر درآمدی که از محل نفت عاید ایران شده ارائه دادم باید اکنون  
بگویم در شرایطی که در قرارداد ۱۹۳۳، درخصوص پرداخت حق السهم به ایران وضع شده بود  
و شرکت سابق را از پرداخت کلیه عوارض کمرکی معاف داشته بود منافع ایران به هیچ وجه  
رعایت نشده بود. ضمناً تمدید مدت قرارداد مزبور که مقرر می داشت ۳۲ سال دیگر شرکت سابق  
در ایران فعالیت کند از هر لحاظ به ضرر ایران بوده است.

به علاوه شرکت سابق، آن موادی را که تا حدودی به نفع ایران بود به هیچ وجه اجرا نکرده است. مثلاً با وجودی که شرکت سابق مجبور بود خدمات بهداشتی و مسکن برای کارکنان ایرانی تأمین کند، متجاوز از ۸۰ درصد از کارکنان مناطق نفت خیز فاقد خانه مسکونی بوده و

مجبور بوده اند در زاغه ها و دخمه ها به سر ببرند. حال آن که خانه هایی که در آبادان ساخته شده بود، اکثراً در اختیار انگلیسی ها بوده است.

نماینده ایران گفت علت این که این جزئیات را در شورای امنیت شرح می دهد برای این است که روشن کند چرا ملت ایران از انگلیسی ها ناراضی بوده و حس می کند سودی که از منابع نفت ما به دست می آید به طور عادلانه تقسیم نمی شده است.

وی علاوه کرد که سابقه استنثار اقتصادی انگلستان در ایران تأسف آور بوده و هیچ کس نباید تعجب کند که عاقبت این استنثار، ملی شدن صنعت نفت ما می باشد.

آقای صالح سپس به قرائت نطق دکتر مصدق ادامه داده گفت در سال ۱۹۴۴ مجلس ایران قانونی تصویب کرد که به موجب آن اعطای امتیاز نفت به خارجی ها به کلی ممنوع گردید.

سپس در سال ۱۹۴۷ مجلس اسران پیشنهادی که از طرف نخست وزیر وقت برای ایجاد یک شرکت مختلط ایران و شوروی جهت بهره برداری از نفت شمال ایران داده شد، رد نمود.

در سال ۱۹۴۹ هنگامی که نسبت به اعلیحضرت شاه سوء قصد به عمل آمد خشم ملت بالا گرفت. حکومت وقت این موضوع را مدرک قرار داده و حکومت نظامی اعلام کرد و در صدد برآمد که در همه جا اعمال زور کند.

در همین اثنا مذاکرات محرمانه بین دولت ایران و شرکت سابق نفت در خصوص قرارداد به اصطلاح الحاقی شروع و مدت ۸ ماه به طول انجامید.

این قرارداد به قید فوریت فقط یک هفته قبل از اینکه دوره مجلس خاتمه یابد به مجلس تقدیم و در آن مطرح گردید. مساعی دولت برای گذراندن این قرارداد با شکست مواجه شد و مجلس آن را تصویب نکرد.

این قرارداد از طرف مجلس جدید نیز رد گردید و برخلاف اظهارات نماینده انگلیس دایر بر این که قرارداد مزایای زیادی برای ایران در بر داشت، مجلس ایران در موقع رد آن قرارداد الحاقی تأکید کرد که استیفای حقوق ایران را نمی کند.

احساسات عمومی دایر بر این که فقط ملی کردن نفت ایران به مشکلات ایران خاتمه خواهد داد، باعث شد که ملت ایران سعی کند که خود را از قیود نیم قرن گذشته آزاد کند.

رویه غیر دوستانه شرکت سابق نفت این احساسات را شدیدتر کرد. عواملی که ملت ایران را مجبور به ملی کردن نفت خود کرده عوامل اقتصادی و مالی و همچنین سیاست داخلی بوده

است. مهم ترین منبع ثروت ملی ایران نفت بوده که اگر به نحو مطلوب و درستی اداره و بهره برداری شود ممکن است با درآمدهای آن به بهبود اقتصاد، فرهنگ، طرح های بهداشت عمومی و وضع اجتماعی مردم ایران کمک کند. مادامی که یک شرکت استعماری این ثروت بزرگ را در انحصار داشت، برای ایران امکان نداشت که از استقلال سیاسی خود بهره مند گردد. شرکت سابق ظاهراً خود را یک شرکت بازرگانی اعلام می کرد و لیکن باید عملیات آن را با عملیات شرکت هند شرقی که سرزمین عظیم هندوستان را به سلطه انگلستان در آورد تشبیه کرد. بودجه شرکت سابق و میزان دادوستدهای بازرگانی آن به مراتب از بودجه عمومی ایران و وضع بازرگانی ایران بزرگتر و وسیع تر بود. این شرکت در امور داخلی ایران دخالت می کرده و در انتخابات و تشکیل دولت ها دست داشت. تمام این ها به خاطر این می شد که شرکت بتواند حد اکثر سود را از منابع نفت ایران ببرد.

در واقع شرکت سابق دولتی در دولت تشکیل داده بود و این دولت ثانوی به تدریج استقلال ایران را تحت الشعاع قرار می داد. بنابراین ملت ایران چاره ای جز خاتمه دادن به عملیات ظالمانه شرکت سابق نداشت و فقط از این راه می توانست استقلال و حق حاکمیت سیاسی خود را حفظ کند.

پس از این که قانون ملی شدن نفت از طرف مجلس ایران به تصویب رسید دولت ایران و همچنین کمیسیون مختلط نفت تمام مساعی خود را به خرج داده اند تا مواد این قانون را در مورد خلع ید شرکت سابق و دستگیری به حساب ها و تعیین میزان خسارت و ترتیب فروش نفت به مشتریان سابق و بخصوص انگلستان اجرا کنند.

کوشش زیاد به عمل آمد تا این مسائل از طریق مسالمت آمیزی حل و فصل شده و نیز رضایت خاطر شرکت سابق فراهم گردد. برعکس نمایندگان شرکت سابق در مذاکرات تهران پیشنهادهایی دادند که نشان می داد اصلاً در حل مسأله نفت حسن نیت به خرج نمی دهند.

این پیشنهادها که نه تنها با ملی شدن نفت ایران مغایرت داشت بلکه موجب می شد که شرکت سابق به صورت دیگری زنده شده و در ایران مجدداً مشغول فعالیت شود. به همین دلیل دولت ایران اعلام کرد که مذاکرات با نمایندگان شرکت سابق کاملاً بی نتیجه خواهد بود و لذا مذاکرات قطع شد. دولت ایران از حسن نیت پرزیدنت ترومن دایر بر پیشنهاد اعزام مستر اوریل هریمن به عنوان نماینده مخصوص برای مذاکره در خصوص مسأله نفت با دولت ایران صمیمانه استقبال کرد.

دولت ایران به رئیس جمهوری امریکا اطلاع داد که حاضر است برای حل مسالمت آمیز اختلاف نفت فرا مذاکرات را شروع کند به شرط این که حقوق ملی ایران به موجب قوانین ملی شدن نفت به نحو اتم و اکمل رعایت شود.

وقتی که در ۱۵ ژوئیه مستر هریمن به تهران وارد شد دولت ایران به وی اطلاع داد اگر دولت انگلیس حاضر شود از طرف شرکت سابق، اصل ملی شدن نفت ایران را به رسمیت بشناسد دولت ایران حاضر خواهد شد که با نمایندگان دولت انگلیس وارد مذاکره شود. پس از این که دولت انگلیس طی نامه خود به دولت ایران اصل ملی شدن نفت ایران را رسماً شناخت هیأت نمایندگان آن دولت به ریاست مستر استوکس در ۴ اوت به تهران وارد شد.

پیشنهاد هشت ماده ای مستر استوکس چون با قانون ملی شدن نفت ایران متناقض بود و ضمناً با فورمولی که ایران از طریق مستر هریمن به دولت انگلیس ارائه داده بود تطبیق نمی کرد از طرف دولت ایران رد شد.

دولت ایران سپس پیشنهاد متقابلی ارائه نمود و در آن راجع به فروش نفت به دولت انگلیس (به همان میزانی که سابق استفاده می کرد) و همچنین امضای یک قرارداد طویل المدتی در این زمینه که مورد موافقت طرفین باشد توضیحاتی داده شده بود.

بهای نفت بر اساس قیمت بین المللی (فوب در هر یک از بنادر ایران) تعیین شده بود. دولت ایران در هر حال حاضر نبود منافعی که از فروش نفت عاید می گردید به دو قسمت تقسیم کند.

برای این که تأسیسات نفت ایران مشغول فعالیت شود دولت ایران حاضر شد که کارشناسان انگلیسی را با قراردادهای جداگانه و با همان حقوق و مزایای سابق خود استخدام کند. در مورد پرداخت خسارت نیز دولت ایران حاضر شده بود این مسأله را بر پایه و اساسی به سه طریق زیر حل کند:

۱. روی اساس سهام شرکت سابق قبل از ملی شدن نفت ایران.
۲. روی اساس و طریقه ای که دول دیگر در مورد ملی کردن صنایع معمول و مقرر می دارند.
۳. بالاخره روی اصولی که کاملاً مورد توافق طرفین باشد به شرط این که دعاوی متقابل ایران نیز رعایت گردد.

دولت انگلیس به این پیشنهاد روی موافق نشان نداد.

نتیجه مساعی دولت ایران در این زمینه منفی بود و مستر استوکس در ۲۲ اوت تهران را ترک گفت. مستر هریمن نیز یک روز بعد از ایران عزیمت کرد. سپس اعلام شد که مذاکرات تعلیق شده است.

دولت ایران منتظر وصول پیشنهادات جدید شد و در ۱۲ سپتامبر نامه ای به وسیله آقای هریمن به دولت انگلیس ارسال گردید. در این نامه ذکر شده بود اگر مذاکرات قرار است برای مدت نامعلومی به تعویق بیفتد برای دولت ایران امکان خواهد داشت که اجرای قانون ملی شدن نفت را به تأخیر بیندازد. ضمناً اشاره شده بود که عده زیادی از کارشناسان انگلیسی هنوز در آبادان

به سر می برند و شرکت سابق به آن ها اجازه نمی دهد که برای ایران کار کنند. به مناسبت حسن نیتی که ایران به حل مسأله نفت داشت حاضر نشده بود کارشناسان خارجی دیگری استخدام کند.

در نامه مزبور خاطر نشان گردیده بود که بعضی از کارمندان انگلیسی به طوری که معلوم شده مشغول تحریک بوده و سعی داشتند اغتشاش بر پا کنند تا بدینوسیله در رابطه دو دولت ایران و انگلستان خلل وارد آید.

به علاوه بر اثر این وضع معلق امور مالی و اقتصادی ایران متزلزل شده و هزینه تأسیسات بزرگ نفت تماماً به بودجه ملی تحمیل گردیده است.

بنابراین علل، دولت ایران حس می کند که مجبور است چون راه حلی برای مسأله نفت پیدا نشده پروانه اقامت کارشناسان انگلیسی مقیم مناطق نفت خیز را لغو نماید.

آقای صالح سپس علاوه کردند که مستر هریمن روی نظریات و علل شخصی حاضر نشد این نامه را به دولت انگلیس ارسال دارد و این امر باعث گردید که دولت ایران برای تسکین اوضاع خود اقدام کند.

در تهران نیز نامه ای به سفارت انگلیس تسلیم گردید و سفیر انگلیس طبق دستور دولت متبوع خود پیشنهادهایی که در این نامه ذکر شده بود رد کرد. بنابراین دولت ایران چاره ای نداشت جز این که به کارشناسان انگلیس که حاضر نبودند برای ایران کار کنند دستور دهد در عرض یک هفته خاک ایران را ترک کنند. کارشناسان انگلیسی در محیط بسیار دوستانه ای خاک ایران را ترک نمودند.

با تخلیه انگلیسی ها ۵۰ سال تجربه تلخ و مهلک استثمار منابع نفت ایران به نفع خارجی ها خاتمه یافت. دولت ایران صمیمانه میل دارد مناسبات دوستانه خود را با انگلستان حفظ و توسعه دهد.

ما میدانیم که دوستی انگلستان ممکن است برای ما ارزش زیاد داشته باشد.

آقای صالح اظهار تأسف کرد از این که دولت انگلستان در گذشته به اندازه کافی به منویات ملی مردم ایران توجه نکرده است.

اختلاف اساسی اخیر بین ایران و انگلستان بر سر شرکت سابق نفت بوده که سیاست انگلستان را در ایران به صورت سیاست امپریالیستی در آورده بود. ما آنرا آرزو داریم که روابط دوستانه خود را با همسایه بزرگ شمالی خود دولت شوروی توسعه دهیم. ما سعی داریم که آن دولت نسبت به دوستی ما اعتماد داشته باشد.

با خاتمه فعالیت شرکت سابق در صحنه سیاست ایران به طور قطع دیگر کسی از ما مطالبه ای نداشته و یا مداخلات شرکت را علیه ما مدرک و سند قرار نخواهد داد.

آقای صالح سپس خاطرنشان ساختند که اطمینان دارد که او توانسته است ثابت کند که شکایت انگلیس به شورای امنیت از نقطه نظر قانونی و معنوی بی مورد است. این شکایت با مداخله ناروای انگلیس در امور داخلی ما شروع شد. دولت انگلیس به این عمل قناعت نکرد و آن را به دیوان دادگستری لاهه که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد احاله نمود.

دولت انگلیس پس از این که موفق شد توجه دادگاه را به این نکته جلب و آن را وادار کند که قرار احتیاطی بی اعتباری علیه ایران صادر کند این قضیه را به شورای امنیت آورد و آن را به صورت دیگری جلوه دهد تا نظر شورا را به خود جلب نماید. یکی از بزرگترین دعاوی بی مورد انگلستان، موضوع حوادث اخیر ایران بوده است و نماینده انگلیس آن را یک نوع خطر به صلح و امنیت جهان جلوه می دهد.

جهان به خوبی آگاه است که این دولت ایران نبوده که انگلستان را با نیروی نظامی و رزم ناوها تهدید کرده است. بنابراین شورای امنیت دیگر محلی برای مداخله در این مسأله ندارد چون از ناحیه ایران خطری متوجه صلح و امنیت دنیا نشده است. موفقیت قانونی ایران بدون تردید مورد قبول و تصدیق هر کس است.

آقای صالح سپس اظهار داشتند که نمایندگان ایران در شورای امنیت کرارا گفته اند که شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به مسأله نفت ایران را ندارد. شورای امنیت که یک مرجع سیاسی است و حاضر است بپذیرد که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران برای تأمین و برقراری صلح پایدار جهان حائز کمال اهمیت است. کشور ایران در یک نقطه بسیار حساس قرار گرفته و اگر ایران ضعیف شود خطری را که صلح جهانی را تهدید می کند به مراتب زیادتیر خواهد شد.

اکنون بر سازمان ملل متحد است که برای استقلال و حق حاکمیت ایران اقدام کند و با طرق شایسته در ایجاد مناسبات دوستانه بین ایران و سایر دول جهان به ما کمک کند. ما حاضر نخواهیم شد که زیر بار یک دولت خارجی و یا یک مرجع بین المللی قرار گیریم.

ما اقدامی نخواهیم کرد و یا حاضر نخواهیم شد که ایران تحت فشار یک دولت و یا سازمان بین المللی قرار گیرد چون اگر غیر از این باشد ما به طور ضمنی تأکید کرده ایم که ایران حق حاکمیت ندارد.

در این جا آقای صالح به قرائت نطق خاتمه داد و جناب آقای دکتر مصدق گفتند که آقای صالح به قطعنامه اول انگلستان جواب دادند و بعدا به قطعنامه دوم انگلیس نیز پاسخ داده خواهد شد.

**ادامه دارد**

